

OCTOBER

اکتبر ۴۳

۱ تیر ۱۳۸۴ ۲۲ ژوئن ۲۰۰۵

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست



۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰ گفتگو با منصور حکمت ۲۳ خرداد ۱۳۷۹

اگر تولد خونین اسلام سیاسی با بزرگترین کشتار سیاسی اواخر قرن بیستم اتفاق نمی افتاد، اگر آن صدها کمونیست مجرب و الیت سیاسی جامعه ایران که در دوران انقلابی سالهای ۵۷ به مارکسیسم انقلابی و خط کمونیسم منصور حکمت پیوسته بودند توسط جنایتکاران رژیم اسلامی قتل عام نمی شدند، و اگر فضای آن دوره انقلابی و موج روی آوری به کمونیسم منصور حکمت، با این کشتار بی سابقه و موج ترور اسلامی روبرو نمی شد، کمونیسم ایران میتوانست در قلب شهر تهران و از موضعی قدرتمندتر و متکی به طبقه کارگری که حضور خود را در صحنه سیاسی ایران اعلام کرده بود تحزب یابد و کنگره موسس خود را برپا کند. تحزب کمونیستی متکی به مکانیسمهای زندگی و مبارزه کارگر صنعتی و شهری ایران میتوانست در برابر تعرض ضدانقلاب اسلامی، پرچم مدنیت و رهائی کل جامعه را از استبداد سیاسی و فلاکت مبتنی بر استثمار کار ارزان برافرازد. جامعه ایران انبوه بی شماری از انسانهای شریف و انقلابی و کمونیسم در ایران با این کشتار بی سابقه و وحشیانه جانان اسلامی لایه وسیعی از کادریهای برجسته و رهبران و متفکران کمونیست طبقه کارگر و فعالین و پیشروان کارگری را از دست داد.

اطلاع از این تاریخ برای نسلی که اکنون در برابر رژیم اسلامی ایستاده است، برای نسلی که چه بسا در آن مقطع هنوز چشم به جهان نگشوده بود، مهم است. نسل جوان و کمونیست پرشوری که آرمانهای خود را از کمونیسم منصور حکمت میگیرد، لازم است به تاریخ حزب منصور حکمت و بستر تشکیل ابزار حاضر و آماده ای که اکنون در دست دارد بنگرد. مصاحبه با منصور حکمت در باره کشتارهای خرداد سال ۶۰ از این نظر برای نسلی که خود شاهد آن نبوده اند، به عنوان زمینه هائی که کمونیسم ایران از آن گذشته است، و نیز سهم مستقیم سرانی از رژیم اسلامی که بعدها در نقش دگراندیش و اصلاح طلب و مخالف "خشونت" ظاهر شدند حائز اهمیت است. اکتبر

کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده ای از آن دوران ندارند حتما آن تاریخ را بازبینی کنند) می بیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطتی با پلیس مخفی اش، با زندانهایش، با شکنجه هایش پیافاستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیت های سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروت های انبوه. مردم علیه اینها بپا خاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه ای از جامعه ایران بود، در صفحه ۴

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید: "بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتا نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملا با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود رابه ۳۰ خرداد وصل کرده اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه

پیام کورش مدرسی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست:



زنده باد
آزادی

زنده باد
برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hakmetist

انتخابات بی
انتخابات
انتخابات بعد
از جمهوری
اسلامی

در صفحه ۲

جانیان به جان هم افتاده اند
همه بساطشان را باید جمع کنیم!
فاتح شیخ
صفحه ۳

پیام مظفر محمدی به مردم سندج
صفحه ۳

در صفحات دیگر:

گزارشی از آکسیونهای اعتراضی تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست حکمتیست در رابطه با مضعکه انتخابات رژیم
گزارشاتی از رامین جلیلی و آرام فروتن از پاره و سقز

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتخابات بی انتخابات انتخابات بعد از جمهوری اسلامی.

این پیام مردم ایران به جمهوری اسلامی بود. اگر فضای بشدت پلیسی و نظامی که جمهوری اسلامی بر شهرهای ایران حاکم کرده بود بسیاری از حوزه های رای گیری را از تعرض مردم مصون میداشت، اگر خاموشی کامل اینترنتی و خبری توسط رژیم مانع انتقال سریع اخبار میشد، اما مردم ایران در این مضحکه نه بزرگ دیگری به جمهوری اسلامی تحویل دادند. مردم ایران آنجا که توانستند حوزه

های انتخابات را بهم زدند و آنجا که نتوانستند بسط رژیم را سوت و کور کردند. مردم اعلام کردند که تا جمهوری اسلامی بر سر کار است انتخابات بی انتخابات و انتخابات به بعد از جمهوری اسلامی مربوط است.

اما در بسیاری از شهرهای اروپا جمهوری اسلامی اما آن حفاظ کامل را نداشت، اعتراض کنندگان علیه این صدای خود را به گوش جهانیان رساندند و در بسیاری از شهرها عملاً بسط انتخاباتی رژیم را مختل کردند. در لندن حوزه رای گیری واقع در کنسولگری جمهوری اسلامی برچیده شد. از جانب حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست، دست همه مردم و تشکل هائی که در این اعتراض شرکت کردند را میفشارم و این پیروزی را تبریک میگویم. صف متحد مردم به زیر پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در انتخاب نظام آینده حکومتی ایران شرط دادن رهبری به جنبش سرنگونی است. تجربه شکست جمهوری اسلامی در این مضحکه انتخاباتی همین را نشان داد.

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد سوسیالیسم**

کوروش مدرسی

۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ - ۲۷

رفقای تشکیلات خارج کشور
رفیق **نسان نوینیان** دبیر تشکیلات خارج کشور
نقش برجسته شما در متحد کردن به زیر پرچم رادیکال و میلیتانت طبقه کارگر و افشا و ناکام گذاشتن سیرک انتخاباتی رژیم در اروپا تحسین بر انگیز بود. همه از آن انرژی گرفتند. از جانب همه اعضای حزب دستتان را میفشارم و برایتان آرزوی پیروزی بیشتر دارم.

رفقا!

شما نشان دادید که وقتی رادیکالیسم کمونیستی با یک تشکیلات میلیتانت، اجتماعی و غیر فرقه ای ترکیب شود پرچم متحد کننده و نیروی قدرتمندی را در صحنه سیاست ایران می آفریند. روز بسیار طولانی داشتید، دستتان از نوژ تا سوند و از آلمان تا انگلیس درد نکند و خسته نباشید.

کوروش مدرسی

۱۷ ژوئن ۲۰۰۵

مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری ایران امروز در شهر سقر همزمان با سراسر ایران برگزار شد با صرف مخارج فوق العاده زیاد و سرسام آور که بردوش مردم هم قرار دارد. تبلیغات زیادی را برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای کردند. عملکرد و جنایت های هر دو جناح برای مردم کاملاً روشن و آشکار بود. و سران حکومت خودشان از اول میدانستند که تا چه اندازه مورد تفر مردم قرار دارند و میزان حضور مردم را در انتخابات میدانستند اما برای اینکه در سطح بین المللی واتمود کند که مردم هنوز جمهوری اسلامی را میخوانند این مضحکه به اصطلاح انتخاباتی را برگزار کرد در شهر سقر از اولین روز شروع تبلیغات انتخاباتی مردم با پاره کردن پوستر های نامزد های ریاست جمهوری و آتش زدن یلورد های تبلیغاتی در سطح شهر نشان دادند که انتخابات را به رسمیت نمیشناسند و در هیچ انتخاباتی از جانب جمهوری اسلامی شرکت نمیکند.

همه اینها ثابت میکند که مردم دیگر جمهوری اسلامی را نمیخواهند و میخواهند که خودشان اختیار دار زندگیشان باشند میخواهند یک دنیای بهتر و پراز شادی و رفاه داشته باشند. میخواهند که دیگر به خاطر یکبارگی و فقر شرمند فرزندانشان نباشند

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۷

گاه گاهی حرف میزدند از همه جالب تر اینکه در مسجد جامعه برای اینکه مردم در روز های جمعه برای خواندن نماز به آنجا میروند صندوق رای گیری گذاشته بودند ولی چند نفر پیرمردی را که برای نماز خواندن روز های جمعه به آنجا میروند امروز نماز را ول کرده برای اینکه در انتخابات شرکت نکنند به مسجد نرفتند از یک خانم که با حالتی عصبی از مجتمع ورزشی شهید فهمیده در خیابان ۳۲ متری بیرون آمد سوال کردم چی شده در جوابیم گفت در خانواده ما با پسر ها و دختران و داماد و عروسهای جمعا ما ۱۱ نفر میتوایم رای بدهیم و من امروز هر چی اصرار کردم که بیاید رای بدهید به من خندیدند و میگفتند رای دادن اشتباه است و من هم برای اینکه کوبین ها را در سال آینده بازم به ما بدهند خیلی اصرار کردم ولی نیامدند و من تهامدم و وقتی که رفتم تو چند نفر بچه را آنجا گذاشته اند و هر کدام میگویند به فلان کس باید رای بدهید و من هم عصبانی شدم و رای نادم و دیگر کوبین اینها را نمی خواهم (در سالهای گذشته عوامل نظام شایعه کرده بودند که اگر کسی در انتخابات شرکت نکند و مهر انتخابات در شناسنامه نداشته باشد دیگر کوبین به او تعلق نمیگیرد). در دیگر مراکز رای گیری وضع همین طوری بود خلوت و ساکت کسی نبود و دیگر از صفهای طولانی مورد ادعای آخوند ها خبری در کار نبود. نهمین دوره

در محله تپه مالان چند نفر نوجوان را دیدم که به طرف یکی از شعبات اخذ رای در مدرسه دخترانه قضایی کوثر میروند از یکی از آنها سوال کردم چند بار است که در انتخابات شرکت میکنی جواب داد من بار اول است که رای میدهم. گفتم مدرسه میروی گفت اری ولی تابستانها کار میکنم تا کمک خرج خانواده ام باشم من هم گفتم تو ۹ ماه است درس میخوانی و الان باید استراحت و تفریح کنی و یا در کلاسهای تفریحی شرکت کنی و با توجه به اینکه در آمدی نداری نمی توانی این کار ها را بکنی پدران ما در انتخابات قبل شرکت کرده اند چه دردی را از ما دوا کرده اند این ها هر کدامشان رئیس جمهور شوند وضع ما تغییر نمی کند. در جوابیم گفتم من دیگر رای نمی دهم و به دیگر دوستانتش گفتم برویم راست میگوید پدرم تا الان رای داده است چه فرقی کرده ایم بعد از ظهر ساعت ۶ باز هم سری به داخل شهر زدم وضع همانی بود که قبل از ظهر دیده بودم خیابانها خلوت و محل شعبات رای گیری خلوت تر. در محلاتی مانند . کریم آباد بهارستان بالا و پائین. سنگیران تپه مالان حاجی آباد شهر دانشگاه . خیابان سعیدی محله سی و دو متری. مرکز شهر مدرسه اندیشه و مسجد جامعه کسی نبود فقط چند سرباز و درجه دار نیروی نظامی در جلوی درب شعبه رای گیری گذاشته بودند که کارشان مگس پرانی بود و با هم

گزارشی از برگزاری مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری ایران در شهر سقر ارام فروتن از شهر سقر

نیروی انتظامی که مسول حفظ امنیت یکی از شعبات اخذ رای بود در مورد حضور مردم سوال کردم گفت. مردم دیگر آگاه شده اند و دیگر فریب نمیخورند و میدانند که این انتخابات فرمایشی است و رئیس جمهور منصوب شده است مردم به حدی گرانی و اعتیاد و فقر و فحشا را هر روزه میبینند که دلشان از هر چی رئیس جمهور و آخوند است خون است از خودش پرسیدم شما چی رای نمی دهید آقای قالیباف اگر رای بیاورد به شما میرسد. با نگاهی که به من کرد معلوم بود که دل خودش هم از آقایان آخوند پر است در جوابیم گفتم ای بابا من خودم برای سیر کردن زن و بچه ام و کرایه خانه باید از راه های دیگر پول در بیاورم حقوقم که فقط برای ۱۵ روز کفایت میکند آنهم با سختی حالا بروم رای بدهم که چی از قالیباف گرفته تارفسنجانی همه سر و ته یک کرباسند هیچکدامشان دردی را از من دوانمی کنند مگر من از همین مردم نیستم از صبح تا الان کسی برای رای دادن نیا مده است معلوم است دیگر من هم رای نمی دهم فقط چند نفر جوان و پیرزن و پیرمرد برای رای دادن آمده اند برو دنبال کارت.

در یکی دیگر از شعبات رای گیری

با وجود تبلیغات زیاد نظام امروز باز هم مردم تو ذهنی محکمی به جمهوری اسلامی و انتخابات فرمایشی وی زدند در داخل شهر شعبات بسیار زیادی را برای اخذ رای دایر کرده بودند در تمام سطح شهر چه در مدارس و مساجد به امید اینکه مردم به خاطر نزدیکی به شعبات رای گیری در انتخابات شرکت کنند اما وقتی مردم اصل موجودیت جمهوری اسلامی را قبول ندارند نزدیک بودن یا دور بودن محل رای گیری تاثیری در نظرات مردم نمیدهد امروز صبح ساعت ۱۰ صبح که به داخل شهر رفتم و از نزدیک به چند شعبه رای گیری سری زدم و با چند نفر درباره انتخابات صحبت کردم شعبات رای گیری را خالی از مردم و خلوت دیدم در دوره های قبلی انتخابات من صف طولی را در مسجد دارالصفاء در محله کریم آباد دیدم و طول میکشید که تا نوبت رای دادن برسد اما امروز بسیار خلوت بود نیم ساعتی که در آن دور و بر بودم ۱۰ نفر را ندیدم که برای رای گیری بیایند و ندیدم که همزمان ۲ نفر با هم به داخل مسجد بروند. انگار نه انگار که امروز روز انتخابات ریاست جمهوری است. وقتی از یک نفر از مامورین

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

جانیان به جان هم افتاده اند همه بساطشان را باید جمع کنیم!



بالاترین رده سران نشان دهان باز کرد. همگام با روند پیشروی تعرضات مردم، روند خونتخریبی این رژیم سریعتر و نابودکننده تر خواهد شد. باید نیرویمان را برای وارد آوردن ضربه آخر جمع و متحد کنیم.

مردم آزادیخواه!

دور نوم این سیرک و قیچ هم انتخابات نیست. جز مسابقه تقلب چیز دیگری در کار نخواهد بود. مساله ما هم این نبود که معین یا کروبی، قابلیاف

استخاره خامنه ای و استعفا کروبی پته این تقلب را روی آب انداخت. پرده ها افتاده و اوضاع وخیم رژیم، عریان در برابر مردم قرار گرفته است. این وضعیت مردم را و ما را فرامیخواند که همه توانمان را بکار بگیریم تا همه بساطشان را جمع کنیم. خواستند راهی برای نجات رژیمشان پیش پا بگذارند، در گام اول سکندری سختی خوردند. خواستند صفوف ارتجاعشان را فشرده تر کنند، شکافهای دیگری در

"انتخابات" جمهوری اسلامی، تا همینجا شکست بزرگی برایش بیار آورده است. شکاف مهلکی بر پیکر پرشکاف رژیم اضافه شده است. دو روز پس از ادعای "برگزاری شکوهمند انتخابات"، جانیان راس رژیم به طرز بیسابقه ای به جان هم افتاده اند. کروبی و خامنه ای جلو چشم حزب الله، به روی هم چماق میکشند. معلوم شد انتخاباتی در کار نبوده، زیر نام انتخابات یک تقلب اسلامی خالص در کار بوده است.

مبارزه شما برای رهایی، برای تحقق آزادی و برابری و در قدم اول خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی است. "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی"، پرچمی که حزب ما بلند کرده است، پرچم پیروزی جنبش مردم برای سرنگونی رژیم است. به دور این منشور و به دور سیاست های حزب حکمتیست جمع شوید تا با هم بساط نتگین این رژیم را جمع کنیم.

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ خرداد ۱۳۸۴

۲۰ ژوئن ۲۰۰۵

برچینید. در شهر بمانید و به سرنگونی جمهوری اسلامی رای بدهید. بگذارید همه دنیا بدانند که مردم ایران بیدار و آگاهند و خود و فرزندانشان را لایق نظامی شایسته بشر میدانند، بگذارید همه دنیا بدانند که شما تسلیم فرهنگ جهل، خرافات، ترور و بربریت نیستید. در روز انتخابات به محلهای رای گیری بروید. بروید و هر حوزه انتخاباتی را به محل تظاهرات علیه رژیم اسلامی ایران تبدیل کنید!

جناحهای خودبیش خورد. اکنون فاشیستهای اسلامی برای حفظ و نجات رژیمشان با هم مسابقه و دعوا دارند. فرصت طلبان و جریاناتی که منافعشان به بقای این رژیم گره خورده است، باز هم ساز انتخاب میان بدتر و بدترین را کوک کرده اند.

اما این میدان بازی و دعوای مردم نیست. مردم به هیچ راه حلی جز رفتن این رژیم فکر نمیکند.

دوستان!

شما جمعه هفته پیش شهر را خلوت کرده و بیرون رفتید. اما این جمعه را در شهر بمانید و بساط صندوقهای رای را



پیام مظفر محمدی به مردم سنندج

۳۱ خرداد ۸۴

۲۱ ژوئن ۲۰۰۵

مردم مبارز سنندج!

شهرهای کردستان بشمارند و اعلام کنند. با وجود این هنوز این نمایش مسخره پرده دیگری هم دارد. دو تن از جنایتکاران را برای رای گیری مجدد از صندوقهای تقلب و تحمیق در آورده اند. رفسنجانی در تمام طول عمر نتگین جمهوری اسلامی یکی از مهره های اصلی رژیم سرکوب و خفقان و فقر و فلاکت مردم بوده است. احمدی نژاد در جهل و جنایت و

شما جمعه گذشته به همراه مردم دیگر شهرهای کردستان به رژیم جمهور اسلامی "نه" گفتید. رای ندانید و مشت محکمی بر دهان اصلاح طلبان کرد و کل رژیمشان کوبیدید. انتخاباتی ها حتی رویشان نشد رای بسیجیهایشان را هم در

همیشه روزهای جمعه شلوغ هستند در اعتراض به مضحکه انتخابات رژیم خالی بوده اند. در سرشدت و بنانه نیز تا ساعت ۱۲ ظهر اوضاع به همان منوال شهرهای دیگر بوده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

وقت ایران خبری از شرکت مردم در انتخابات نبوده است. مساجد و مدارس و کلیه مراکز انتخاباتی سوت و کور بوده است. تعدادی از نیروهای انتظامی در سنندج و سقز و مریوان در مقابل سوال مردم گفته اند که آنها نیز در انتخابات شرکت نکرده اند و رای نمیدهند. بازار این شهرها که معمولاً در روزهای جمعه شلوغ است امروز آرام بوده است. مساجد جامع این شهرها که

گوشه هائی از مضحکه انتخاباتی و موقعیت رژیم اسلامی در برخی شهرهای کردستان در روز انتخابات

در مهاباد حدود ساعت ۱۱ صبح جوانان و مردم حوزه انتخاباتی مدرسه حسن زاده واقع در محله حیوانات را به هم ریختن و صندوق را در هم شکستند. در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، کامیاران دیواندره، بوکان و پاره تا ساعت ۶ بعد از ظهر به

فلاکس بشود. کارگران میگویند کارفرما تصمیم دارد کارخانه را تعطیل کند. کارگران شاغل در کارخانه حدود ۱۲۰ نفر بودند که اخیراً ۳۰ نفر از آنها را اخراج کرده اند و علیرغم وعده و وعیدهای وزارت کار و سر دواندن کارگران توسط مقامات دولتی محلی، هنوز به سر کار بازنگردانده اند.

تجمع کارگران شاهو در مقابل اداره کار سنندج

کارگران کارخانه شاهو در سنندج، جلو اداره کار تجمع کردند. اما جواب خواستهایشان به نوز بعد موکول شد. اداره کار میگوید باید از استناداری برای ما

۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰ گفتگو با منصور حکمت

ادامه از صفحه اول

پر و بال میگردد. یکی از شخصیت های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را بر میدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه ها و دولتهای غربی و وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هویز از طرف دولت آمریکا میاید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک روز در رویی نظامی شکست میدهند. اما محصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ میگذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست. یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد و وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماق داری هست، چاقو کشی هست، اسلامگیری هست. خلخالی همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلاء مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سردر میاورند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراهای کارگری بوجود میآیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود میآیند، موج اعتراضی بالا میگردد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی - اسلامی صورت میگیرد. هجوم میاورند و روزی ۳۰۰، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه ها را می بنندند و مخالفینشان را تارومار میکنند. این آن پدیده ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود

که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبردند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان می نشینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۶۷ در ایران شده است اشک خواهد ریخت.

این از جنایات های عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل کشی در رواندا، به مراتب وحشتناک تر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدی های مهم انسانی قرن بیستم است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین ترین و پرشورترین و آزادخواه ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سرکار بمانند.

راديو اترناسیونال: رهبران جمهوری اسلامی که الان به جان هم افتاده اند، در آن موقع همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظوم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دو خردادی ها را اسم ببرم، بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دو خرداد است، ججاریان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان به جان هم افتاده اند؟

منصور حکمت: جناح بندی همانموقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح بندی که الان می بینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی ها در صد مقدم حکومت بودند. صف بندی ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دو خرداد است خود اولین قربانی خط امامی هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دو خرداد هستند. دولت آنموقع دست این خط امامی ها بود. منظوم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دو خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از

عناصر و محافظی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده اند و دموکرات شده اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نصبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلاد و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود در راس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگه دارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاش شان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سرپا نگاه دارند.

راديو اترناسیونال: آیا میشود گفت که باین ترتیب دوم خردادی ها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ابداً. دوم خردادی ها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادی ها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاه هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیر خودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد ب

ایستد دارد از جرگه خودی ها با بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پول هایشان را بردارند و بروند لس آنجلس. سر و کارشان بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میدانند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

راديو اترناسیونال: حزب کمونیست کارگری یک کمین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جان باختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمین چیست؟

منصور حکمت: فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، و افشا شود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهاش، علیه شخصیت هایش از خمینی و بهشتی تا خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و گیلانی و همه کسانی است که در این روند نقش داشته اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

به نقل از سایت عمومی آرشیو آثار منصور حکمت:

<http://hekmat.public-archival.net>

روز "انتخابات" صحنه رسوایی جمهوری اسلامی در خارج

زیر فشار اعتراض قدرتمند "انتخابات" جمهوری اسلامی در لندن تعطیل شد. در جریان این اعتراض پلیس سه تن از کادرهای رهبری حزب حکمتیست را دستگیر کرد. روز جمعه بیست و هفتم خردادماه، مضحکه انتخاباتی رژیم به صحنه رسوایی جمهوری اسلامی در شهرهای بزرگ اروپا تبدیل گردید. در اجتماعات متعدد و پرشوری که در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای رژیم و اماکن عمومی دیگر برگزار شد، اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی، فریادهای مرگ بر این رژیم در ساعتهای طولانی طنین انداز بود.

ما در حزب حکمتیست از یکماه پیشتر با عزم خراب کردن این بساط روی سرشان به استقبال آن رفتیم. اعلام کردیم انتخابات بعد از جمهوری اسلامی و اعلام کردیم این روز، روز اعتراض، و مهمتر از آن روز فلج ساختن مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی است. گزارشی از اکیسونهای پیروزمند علیه رژیم که در مواردی در همراهی با احزاب و جریانات سیاسی مختلف، و در بیشتر موارد مستقیماً با فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست به عمل در آمدند، به آگاهی میرسد.

لندن، محل سفارت رژیم اسلامی

با لوجگیری اعتراض اجتماع کنندگان کنسولگری جمهوری اسلامی به تعطیل کشانده شد. از همان ساعات اولیه صبح اجتماع تعداد زیادی از مردم با فراخوان کمیته کشوری حزب حکمتیست، و شعار و فریادهای آنها هرگونه رای گیری را در

در محاصره اعتراض پرشور خود در آوردند. اعتراض کنندگان تمام روز با شعارهای مرگ بر رژیم اسلامی، مراسم رای گیری سفارتخانه را فلج ساختند. در تمام طول روز يك آن از تشنج میان نظاهرکنندگان از طرفی و واحدهای پلیس در دفاع از محل سفارت از طرف دیگر کاسته نشد. در يك مورد



کار به درگیری میان افراد سفارت و مشخصاً شخص سفیر و اجتماع کنندگان منجر گردید. سفیر جمهوری اسلامی توسط فعالین حزب حکمتیست کتک خورد. این اکیسیون با فراخوان شورایی مرکب از تعدادی از جریانات و احزاب سیاسی شهر استکهلم واز جمله

درآمد. رحمان حسین زاده رییس هیئت دبیران حزب حکمتیست از جمله سخنرانان بود که در سخنرانی خود گفت: اکیسیون پر شور و قدرتمند ما ادامه اعتراض و مبارزه ای است که روزهای اخیر در تهران و شهرهای دیگر ایران علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی وجود داشت. و تاکید کرد ما آن جنبش و حزبی هستیم که اعلام کردیم انتخابات بعد از جمهوری اسلامی و خوشحالیم که توده وسیعی از مردم ایران به دوره بعد از جمهوری اسلامی و انتخاب آزادانه و آگاهانه خود برای اداره جامعه و تامین آزادی و برابری و تعیین حکومت شایسته انسان امروز فکروعمل میکنند. بر این متینگ سخنرانی از نیروهای سیاسی و نهادهای اجتماعی دیگر سخنرانی کردند. حزب کمونیست کارگری عراق از جمله جریاناتی بود که از این اکیسیون حمایت کرد و حضور فعال داشت. فارس محمود عضو دفتر سیاسی و دبیر تشکیلات خارج آن حزب به زبان انگلیسی سخنانی ایراد کرد. این اکیسیون پر شور به مدت هشت ساعت در میان



حزب حکمتیست سازمان یافته بود. ساعتها در این محل شعارهای افشاکرانه علیه رژیم و سخنرانی های متعدد به اجرا

اسلامی مرگت فرا رسیده، مرگ بر رژیم سنگسار، ادامه داشت. در طول این متینگ و در فاصله سخنرانیها برنامه های متنوع اجرا شد. مینا اسدی شاعر و نویسنده چپ شعری ایراد کرد و موزیک شاد و ضدخرافه و اسلام پخش میشد.

در ساعات نیمروزی محل مسجد امام علی در غرب شهر استکهلم که محل حوزه دیگر انتخابات جمهوری اسلامی بود به محل تظاهرات جمعی از فعالین حزب حکمتیست و فعالین سیاسی چپ تبدیل گردید. مرگ بر جمهوری اسلامی و شعار علیه انتخابات در حیاط مسجد، باعث خشم و بیتابی مسئولین این مضحکه گردید. عوامل جمهوری اسلامی درگیری تندی را به معترضین تحمیل نمودند. گوشمالی اسلاميون تا رسیدن واحد های پلیس ادامه پیدا کرد. در این درگیری یکی از فعالین حزب به نام رضا ساعی جراحاتی برداشت. تاچند ساعات بعدتر این اکیسیون تمامی محوطه اطراف مسجد را به تشنج و شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و حکومت و قوانین اسلامی در ایران پر کرده بود. در تمام این مدت رای گیری در این محل مختل گردید.

آلمان ، هامبورگ ، کنسولگری رژیم
از ساعت ۱۰ صبح امروز جمعه اجتماع بزرگ مردم که توسط احزاب و تشکلهای فعالین اپوزیسیون بر علیه انتخابات نمایشی جمهور اسلامی فراخوان داده شده بود، جلو کنسولگری رژیم تشکیل شد. تشکیلات آلمان حزب حکمتیست حضور فعالی در این اکیسیون داشت. صدای شعارهای مردم علیه نمایش انتخابات رژیم و فریاد مرگ بر

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

دبیر: حسین مرادبیگی (حجه سور)

h_moradbigi@yahoo.com
Tel: 00447960233959

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را نکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi_abdollah@yahoo.com Tel: 00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

جمهوری اسلامی برای چندین ساعت تا فاصله دوری از محل کنسولگری شنیده میشود. همچنین تظاهر کنندگان به کسانی که

این تظاهرات توسط حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست و کانون فعالین چپ و کمونیست در دانمارک به طور جداگانه فراخوانده شد. از

رایو سراسری دانمارک با تهیه گزارشی در محل از تظاهرات، با ناهید ریاضی و چند نفر دیگر از شرکت کنندگان مصاحبه کرد. نسیم رهنما در مصاحبه ای با یک تلویزیون محلی کپنهاک که از محل تظاهرات گزارش تهیه کرده بود گفتگو کرد.

نروژ- اسلو، سفارت رژیم



صبح ساعت 9 تا ساعت 5 بعد از ظهر تظاهر کنندگان به شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی پرداختند و هر کسی که برای رای دادن وارد سفارت میشد را با هو کردن و شعار دادن کلافه میکردند. پلیس با تحت کنترل گرفتن اطراف سفارت، مرتب به تظاهر کنندگان هشدار میداد. پلیس از قبل اعلام نمود که در صورت هو کردن و شعار دادن بر علیه اشخاص شرکت کننده از ادامه تظاهرات جلوگیری میکند و همچنین با همراه داشتن یک مترجم فارسی زبان همه شعار ها را کنترل میکرد و به تظاهر کنندگان هشدار میداد.

برای رای دادن مراجعه میکنند اعتراض کرده و آنها را هو میکنند. مردم عصبانی و معترض به آنها گوشزد میساختند که شرکت در انتخابات و رای دادن توهین به مردم ایران است. انتخابات بعد از جمهوری اسلامی است. این تجمع مورد توجه تعداد متعددی از رسانه های جمعی و تلویزیونها قرار گرفت.

دانمارک- کپنهاک - ، سفارت جمهوری اسلامی

روز ۲۷ خرداد در کپنهاک تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد.

سازماندهندگان آن، به خاطر يك روز پرشور اعتراضی و به یاد ماندنی در آرایخواهی رادیکال علیه جمهوری اسلامی، صمیمانه تبریک میگوید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۷ خرداد ۱۳۸۴
۱۷ ژوئن ۲۰۰۵

منتخب آثار منصور حکمت در ۱۸۰۰ صفحه منتشر و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.



رای دادن میرفتند پشتیبان کردند. تجمع مردم تا ساعت ۲ بعدظهر ادامه یافت. حزب کمونیست کارگری حکمتیست، رسوایی جمهوری اسلامی و شکست نمایش رسوای انتخابات رژیم در خارج کشور را به همه شرکت کنندگان و دست اندرکاران و

Advertisement for 'Menshur Sorngoni' (مشور سرنگونی) featuring a newspaper cover with the headline 'کریست ۲۶' and 'بیانیه حقوق جهانشمول انسان'.

ساعت ۴ بعد از ظهر تنها ۱۵ نفر شرکت کرده بودند. اما چیزی که بسیار به چشم میخورد حضور فراوان ماشینهایی گشت زنی نیروهای انتظامی و امنیتی بود که تا این لحظه در شهر در حال رفت و آمدند و به هر فرد بوقل خوششان مشکوک گیر میدهند. راستی سران جمهوری اسلامی چرا از این همه ریواکه هر نفعه برایشون بوجود میاد شرمزنده نمیشوند؟! رورو برم.

در پایان درود بر مردم با شعور این منطقه که هرگز نه با تبلیغ و نه با تهدید در این انتخابات فرمایشی شرکت نکردند و قدرت خود را نشان دادند.

این پیروزی را به تمام مردم ایران تبریک میگویم. انتخابات بعد از جمهوری اسلامی زنده باد آزادی زنده برابری مرگ بر جمهوری اسلامی

راهین جیلی
۲۷ خرداد ۱۳۸۴

از ظهر از خانه ها بیرون نیامدند. تعداد افراد آنکی در ساعات اولیه رای گیری بیرون آمدند که همگی را میشه گفت از حقوق بگیران کمیته امداد و خانواده مزدوران سرکوب گر رژیم مانند سپاهی ها



و اطلاعاتی ها و ... بودند چهره اینها برای ما آشناست. بگفته یکی از مسئولین رای گیری در یکی از شعبه های رای گیری تا

باردیگر ((نه)) مردم به جمهوری اسلامی

امروز مردم شهرهای جوانرود، پاوه و روانسر با نرقتن پای صندوق های رای جواب ندادن شکنی به

تمام تبلیغات رژیم برای شرکت در انتخابات رژیم دادن و بلر دیگر به جمهوری اسلامی نه گفتند امروز انگار بر این شهرها خاک مرده پاشیده بودند مردم تا ساعت ۴ بعد

به حزب کمونیست کارگری حکمتیست بپیوندید!